در سپهر پرهیزکاری

تأملی بر اهمیت شب‌زنده‌داری و عبودیت در ارتباط با خداوند متعال

خطبه نماز جمعه

عبادت همواره به‌عنوان یکی از اصول اساسی در زندگی دینی و معنوی انسان‌ها مطرح بوده است. اما باید دقت کرد که عبادت تنها به ظاهر و انجام مناسک، محدود نیست. درواقع عبادت دارای دو بعد مهم و اساسی است که باید به‌خوبی محل توجه قرار گیرد؛ بعد اول مربوط به انجام واجبات و ترک محرمات است؛ همان چیزی که به‌عنوان تقوا شناخته می‌شود. تقوا پایه و اساس بندگی است و کسی که به این جنبه عمل کند، درحقیقت پایه‌های عبودیت را بنا نهاده است.

با این حال، عبادت در این مرحله خلاصه نمی‌شود. بعد دوم که همواره مورد تأکید بزرگان دین نیز قرار گرفته است، دلدادگی و ارتباط عاشقانه با خداوند متعال است. این مرحله از عبادت، به‌نوعی ادامه و تکمیل‌کننده مرحله اول است و بدون عبور از تقوا، نمی‌توان به این مرحله از بندگی دست یافت. متأسفانه در اغلب مواقع مشاهده می‌شود که برخی جوانان بدون توجه به مقدمات، تنها به دنبال شور و حال معنوی و احساسات زودگذر هستند. این دسته از افراد، ممکن است در مسیر جست‌وجوی عشق الهی، فریب مدعیانی را بخورند که به جز منافع شخصی، هدف دیگری ندارند. این انحرافات می‌تواند انسان را از مسیر واقعی بندگی و سعادت دور کند.

یکی از راه‌حل‌های عبور از این چالش‌ها، بازگشت به کلام خداوند و توجه به معانی عمیق و هدایتگر قرآن کریم است. در این راستا، خداوند متعال در سوره مبارک مزمل، آیه ششم، می‌فرماید: «إِنَّ نَاشِئَهَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا». این آیه به‌روشنی بیان می‌کند که عبادت شبانه، عمیق‌ترین و پایدارترین نوع عبادت است؛ زیرا در دل شب، زبان و دل انسان به وحدت و یکپارچگی می‌رسد و ارتباطی واقعی و صمیمی با خداوند برقرار می‌شود.

در فرمایش‌های امام صادق(ع)، توجه ویژه‌ای به این موضوع شده است. ایشان می‌فرمایند: کسی که نیمه‌شب تنها برای ملاقات با خدا از خواب برمی‌خیزد، هیچ انگیزه دنیوی ندارد و این بیداری، تنها از عشق خالصانه به خداوند حکایت می‌کند. در روایتی دیگر نیز امام صادق(ع) نقل می‌کنند که خداوند متعال حضرت موسی(ع) را خطاب قرار داده و فرموده است: «کسی که ادعای عشق به خدا دارد اما تا صبح در خواب است، دروغ می‌گوید؛ عاشق واقعی می‌خواهد با معشوق خود خلوت کند و شب‌هنگام، بهترین زمان برای این خلوت است».

خداوند در این روایت‌ها تأکید می‌کند که در شب‌هنگام، بندگان عاشق از خواب بیدار می‌شوند و خداوند چشم بصیرت به آنان می‌دهد، به‌گونه‌ای که عذاب قیامت و ثواب اعمال را می‌توانند مشاهده کنند. در چنین حالتی، این عبادت شبانه نه‌تنها نشان صداقت در محبت است، بلکه دعای بنده نیز در این لحظات خاص مستجاب می‌شود.

باید به تمام جوانان و علاقه‌مندان خداوند یکتا و مسیر او توصیه کنیم که یک ساعت مانده به اذان صبح برخیزند و در خلوت شب با خداوند به رازونیاز بپردازند. این لحظات طلایی ارتباط با پروردگار است و در زندگی دینی و معنوی، نقشی بی‌بدیل دارد. این خلوت شبانه، زمانی است که هیچ فردی جز خداوند با شما نیست و می‌توانید به طریقی واقعی و معنوی با او صحبت کنید و از برکات این لحظات، بهره‌مند شوید. در قرآن کریم، برای بسیاری از اعمال نیک نظیر کمک به فقرا و شرکت در نماز جماعت، ثواب مشخصی وجود دارد، اما برای عبادت شبانه و عاشقانه کسی که با خدا راز و نیاز می‌کند، ثوابی بی‌حد و مرز تعیین شده است؛ ثوابی که تنها خداوند از عظمت و بزرگی آن آگاه است. خداوند متعال در سوره سجده می‌فرماید: بندگانی که شب از خواب برخیزند و با ذکر «یا ا...» به درگاه او بازگردند، از نعمت‌هایی برخوردار می‌شوند که هیچ فردی جز خداوند از عظمت آن‌ها خبر ندارد. این بیانی روشن از اهمیت و جایگاه عبادت شبانه است و نشان می‌دهد که عبادت در دل شب، یکی از عمیق‌ترین راه‌های ارتباط با خداوند و تقویت ایمان و روحانیت است.

بنابراین، بهره‌گیری از لحظات معنوی شب، نه‌تنها می‌تواند به تقویت ایمان فرد کمک کند، بلکه نیروی معنوی جامعه را نیز افزایش می‌دهد و امید به رشد معنوی و تعالی روحانی را در اجتماعی ایجاد می‌کند که دلش با عشق به خداوند زنده است.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشارت

سرمایه‌ای که از آن غافلیم!

طیبه اشرفی| اگرچه اغلب ما پول و مادیات را سرمایه اصلی خود می‌دانیم و دائم دنبال راهی هستیم که آن را حفظ کنیم، آموزه‌های دینی روایی سرمایه اصلی آدمی را چیز دیگری می‌دانند که اگر اجر و بهای آن دانسته و درست مصرف شود، انسان خوشبخت می‌شود.

امام علی(ع) می‌فرمایند: «تو چند روزی بیش [در این دنیا] نیستی؛ هر روزی که بر تو می‌گذرد، بخشی از تو را می‌برد، پس در طلب [دنیا] آرام و در کسب روزی، میانه‌رو باش».
(غررالحکم: ۳۸۷۴)

آموزه‌های روایی بر غنیمت شمردن عمر تأکید می‌کنند؛ چنان‌که رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «به عمر خود بخیل‌تر باش تا به درهم و دینارت».
(مکارم‌الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۶۴/۲)

ایشان همچنین می‌فرمایند: «زندگانی، محدود است و هیچ فردی از عمری که برایش مقدر شده است، هرگز فراتر نمی‌رود. پس، پیش از آنکه عمر به سرآید، بشتابید».
(أعلام‌الدین: ۱۲/۳۳۶)

و نیز از حضرت رسول(ص) است که: «چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت شمار: جوانی‌ات را پیش از پیری خود، تندرستی‌ات را پیش از بیماری‌ات، توانگری‌ات را پیش از نیازمندی‌ات و زندگی‌ات را پیش از مرگت».
(الخصال: ۸۵/۲۳۹)

مولای متقیان(ع) در بیان بهترین راه مصرف عمر فرموده‌اند: «بازنده کسی است که عمر خود را ببازد و خوشبخت کسی است که عمرش را در طاعت پروردگارش بگذراند».
(غررالحکم: ۳۵۰۲)

و از ایشان است که: «به‌سوی عمل بشتابید و از فرارسیدن ناگهانی مرگ بترسید؛ زیرا آن امیدی که به بازگشت رزق‌وروزی هست، به بازگشت عمر نیست».
(نهج‌البلاغه: الخطبه ۱۱۴)

حضرت امیر(ع) همچنین بر غنمیت شمردن حال و در حال زندگی کردن تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «گذشته عمر تو رفته است و باقی‌مانده آن محل تردید است، پس زمانی را که در آن به‌سر می‌بری، برای کار و عمل، غنیمت شمار!»
(غررالحکم: ۳۴۶۱)

روایات بر جلوگیری از هدررفت عمر و تضییع این سرمایه بی‌بدیل هم تأکید ویژه دارند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «هرکه عمر خود را در راه چیزی جز آنچه او را نجات می‌دهد صرف کند، مطلوب خود را از دست داده است».
(غررالحکم: ۸۵۳۲)

گزارش

آمنه مستقیمی| **وقتی صحبت از انتظار فرج و زندگی به سبک منتظران می‌شود، شاید برای بسیاری از ما جای سؤال باشد که چطور می‌توان در زمره مهدی‌یاوران قرار گرفت؛ آن‌ها که با فکر و اندیشه، زبان و عمل خود امام عصر(عج) را یاری می‌کنند و حضورشان، سبب رضایت حضرت و زندگی‌شان، موجب حرکت به‌سوی ظهور است؟ با تأمل در احادیث امام مهدی(عج)، می‌توانیم رمز و راز این مهم را درک کنیم.**

بررسی راه‌هایی که ما را به امام عصر(عج) نزدیک می‌کند

چشم به راه او

به امام عصر(عج) نزدیک شویم

احادیث امام زمان(عج) خود بهترین نقشه راه برای زندگی به سبک انتظار است؛ چنان‌که می‌فرمایند: «هریک از شما باید کاری کند که به محبت ما نزدیک شود و از کاری که او را به نفرت و خشم ما نزدیک می‌سازد، دوری کند؛ زیرا قضیه [ظهور] ما ناگهانی و بی‌خبر اتفاق می‌افتد، به‌طوری که دیگر نه توبه‌ای به حالش سودمند می‌افتد و نه پشیمانی از گناه، از کیفر ما می‌رهاندش» (الاحتجاج: ج ۲، ص ۵۹۹، ح ۳۵۹). این یعنی مهندسی فکر، گفتار و رفتار ما باید به‌گونه‌ای باشد که به حضرت حجت(عج) نزدیک شویم و این کار، راه و رسم خاص خود را دارد.

معرفت پیدا کنیم

شناخت امام زمان(عج) و ایمان به ایشان و استواری در این راه، بر هر چیز دیگر، مقدم است؛ چون در عصر امامان پیشین، کسانی بودند که در کنار ائمه(ع) زندگی می‌کردند اما چون نسبت به آن برگزیدگان الهی، معرفت و ایمان نداشتند، بهره‌ای از آن‌ها نبردند و چه‌بسا با ایشان مخالفت هم می‌کردند. از حالاتی که ما را به امام عصر(عج) نزدیک می‌کند، ایجاد و تقویت تقوا به معنای ترس از پروردگار و نگهداری نفس است. در این مسیر، اطاعت کامل از خداوند با انجام واجبات و ترک محرمات بسیار اثرگذار است؛ البته تقوا مراتبی دارد و اگر این نردبان را آدمی تا آخرین پله‌اش طی کند، به سعادت بزرگی دست خواهد یافت.

چشم به راه باشیم

از دیگر عوامل مهم در جلب رضایت امام زمان(عج) و نزدیک شدن به ایشان، انتظار فرج است؛ البته انتظاری که به تعبیر روایات در عمل باشد نه صرفا حالت قلبی و عاطفی. امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «ای ابوخالد! مردم زمان او که معتقد به امامت وی و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان‌ها بهترند؛ زیرا خداوند عقل و فهمی به آن‌ها داده است که غیبت در نزد آن‌ها، حکم مشاهده را دارد! خداوند آن‌ها را در آن زمان مثل کسانی می‌داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده‌اند. آن‌ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می‌خوانند». و هم فرمودند: «انتظار فرج، بزرگ‌ترین فرج است».

اخلاقی رفتار کنیم

یکی از عوامل اصلی کسب رضایت امام زمان(عج)، تهذیب نفس و آراستن خود به اخلاق نیکوست. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که: «هر کسی دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم(عج) باشد (و آن حضرت از او راضی باشد)، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند» (الغیبه، ص ۲۰۰). این یعنی امام زمان(عج) در صورتی از ما راضی می‌شوند که از گناهان، دوری و خود را به اخلاق شایسته و اسلامی آراسته کنیم.

تنها دلیل قطع ارتباط امام(عج) با شیعه

تهذیب نفس و دوری از گناهان و اعمال ناشایست، به‌عنوان یکی از عوامل کسب رضایت امام زمان(عج) و وظایف منتظران در عصر غیبت، چنان اهمیتی دارد که امام عصر(عج) در توقیع به مرحوم شیخ مفید(ره)، اعمال ناشایست و گناهانی را که از شیعیان سر می‌زند، از اسباب یا تنها سبب طولانی شدن غیبت امام(ع) معرفی کرده، می‌فرمایند: «تنها چیزی که رابطه ما را با شیعیان قطع می‌کند و [ما را] از آنان پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از شیعیان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آن‌ها انتظار نمی‌رود». (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷).

مسئولیت‌پذیر باشیم

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر(عج)، از وظایف مهم شیعیان و عامل رضایت و خشنودی آن حضرت است. هرگز نباید احساس کنیم در جامعه رها و بی‌مسئولیت هستیم و هیچ تکلیف و وظیفه‌ای در برابر امام و مقتدای خود نداریم. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «برای انجام واجبات صبر کنید و در برابر دشمنانتان، مقاومت از خود نشان دهید و پیوندتان را با امام منتظرتان، مستحکم کنید» (غیبه، ص ۲۰۰). این یعنی عمل به وظایف فردی و اجتماعی، موجب تقویت ارتباط با امام زمان(عج) و رضایت آن حضرت می‌شود.

میزان محبت امام نسبت به ما

محبت قلبیِ واقعی هم سبب نزدیکی و جلب رضایت امام مهدی(عج) می‌شود. امام رضا(ع) در پاسخ به شخصی که پرسید آیا شما برای ما دعا می‌کنید، فرمودند: «آیا تو غیر از این گمان می‌کنی؟» راوی گفت: خیر، سپس حضرت فرمودند: «اگر خواستی دریابی که مقام محبت من با تو و اهتمام داشتن من در امر تو چقدر است، پس به قلب خود نظر کن و ببین که در قلبت و در کارهایت چقدر به من محبت داری و به فکر من هستی». (کافی، ج ۲، ص ۶۵۲). این قاعده‌ای کلی است که هر قدر کسی را دوست داشته باشید، او هم شما را به همان میزان دوست خواهد داشت.

روشنا

امام باقر(ع):
خُذُوا الْكَلِمَهَ الطَّيِّبَه مِمَّنْ قَالَهَا وَ إِنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهَا.

سخن طیب و پاکیزه را از هرکه گفت، بگیرید؛ اگرچه او خود، بدان عمل نکند.
(تحف‌العقول، ص ۲۹۱)

شنیدنی

قصص قرآنی: داوود و سلیمان

داوری که از آسمان الهام گرفت

سمانه رضوانی| بندگی کار سختی است، نه اصطلاح بندگی‌ای که مثلا می‌گوییم ما همه بنده خداییم؛ نه، از فعل بندگی، یعنی از «تسلیم کامل و مطیع بودن در برابر خدا» حرف می‌زنم. هرکه بگوید من بنده خالص خدا هستم، ادعای بزرگی کرده است. حالا فکر کن خدا در مورد کسی بگوید فلانی بندگی واقعی می‌کند برای من.

شاید نور صبح بود که می‌تابید که ندایی پیچید؛ صدایی که از عطای فرزندی به داوود(ع) خبر می‌داد. خدا سلیمان(ع) را به پدرش داد؛ سلیمانی که عبد بود، بندگی می‌کرد و اهل توبه بود:
«وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص، ۳۰).

خدا در مورد سلیمان می‌گوید: او بنده خوبی برای من است.

داوود(ع) می‌دانست که پسرش اهل دانش و فضل است و لیاقت جانشینی را دارد. تا اینکه روزی دو نفر دادخواه نزد داوود آمدند. گوسفندانی شبانه وارد تاکستان شخصی می‌شوند و آن را خراب می‌کنند. صاحب درختان انگور، کشاورزی بود با دستان پینه‌بسته و از اینکه مالش از بین رفته بود، پریشان و ناراحت بود. باغ حاصل یک سال زحمت او بود که به یک شب به باد رفت. او از صاحب گوسفندان شکایت داشت و شکایتش را پیش داوود برد که می‌دانست عادل است و حکیم:
«وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ». (انبیا، ۷۸)

و حضرت برای جبران خسارت، حکم به تحویل تمام آن گوسفندان به صاحب باغ داد. اما سلیمان، راه‌حل دیگری به پدر پیشنهاد داد: اینکه گوسفندان در اختیار شاکی قرار گیرد تا او از منافع آن‌ها استفاده کند و باغ به صاحب گوسفندان تحویل داده شود تا او به ترمیم آن بپردازد و بعد از جبران خسارت، هریک مال اصلی خود را بازپس گیرند. (تفسیر نور)

داوود به پسرش خیره شد. می‌دانست علم و حکمتی که در جوانش می‌جوشد، سرچشمه الهی دارد. خدا داوری آن را به سلیمان فهماند، به هرکدامشان حکمت و دانش عطا کرد و کوه‌ها و پرندگان را رام و مسخر کرد که همیشه با داوود، تسبیح می‌گفتند. فاعل همه این فعل‌ها خداست:
«فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ». (انبیا، ۷۹)